

سرچشمه حکمت

جرعه اول:

سیاست و حکومت در نهج البلاغه

دکتر محسن اسماعیلی

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران



فهرست مطالب

مقدمه.....	۹
فصل اول: آشنایی با نهج البلاغه و گردآورنده آن	۱۵
ماهیت کتاب نهج البلاغه و شخصیت سیدرضی.....	۱۷
نسب و خاندان سیدرضی.....	۱۸
شخصیت سیدرضی.....	۲۱
موقعیت علمی و اجتماعی سیدرضی.....	۲۳
بررسی شبهات و اشتباهات در مورد نهج البلاغه.....	۲۴
شارحان نهج البلاغه.....	۳۰
فصل دوم: دلایل انتخاب موضوع و منبع آن	۳۳
مقدمه اول: علت انتخاب روش موضوع محور در نهج البلاغه.....	۳۵
مقدمه دوم: علت انتخاب موضوع حکومت و سیاست.....	۳۵
مقدمه سوم: علت انتخاب نهج البلاغه به عنوان منبع و مرجع بحث.....	۴۹
الف) پر فراز و نشیب بودن دوران حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام	۵۰
ب) مبنای شیعی برای حکومت اسلامی.....	۵۰
مقدمه چهارم: شبهات پیرامون الگوی حکومتی حضرت	
امیرالمؤمنین علیه السلام و پاسخ به آنها.....	۵۱
الف) آیا الگوی حکومتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قابل تکرار است؟.....	۵۱
ب) آرمان‌گرایی صرف بودن این الگو.....	۵۳
فصل سوم: فلسفه نیاز به حکومت	۶۱
نکته اول: انسان ذاتاً از امر و نهی شدن دوری می‌کند.....	۶۳

نکته دوم: طبیعت و ذات حکومت، امر و نهی کردن است. ۶۶

فلسفه نیاز به حکومت: مردم چاره‌ای جز تشکیل حکومت ندارند. ۶۷

فلسفه نیاز به حکومت از منظر نهج البلاغه. ۷۴

فصل چهارم: کارکردهای حکومت ۷۹

الف) کارکردهای مادی و دنیوی ۸۱

نکات مستفاد از خطبه چهل نهج البلاغه در مورد کارکرد حکومت. ۸۳

نکته اول. ۸۳

نکته دوم. ۸۳

نکته سوم. ۸۴

نکته چهارم. ۸۷

نکته پنجم. ۸۷

ب) کارکردهای معنوی و اخروی حکومت. ۹۳

انحراف و کج‌فهمی اول. ۹۴

یک شبهه و پاسخ به آن. ۱۰۰

انحراف و کج‌فهمی دوم. ۱۰۹

شواهدی از نهج البلاغه. ۱۱۲

فصل پنجم: نقش و جایگاه مردم در حکومت علوی ۱۲۵

مقدمه اول. ۱۲۷

مقدمه دوم. ۱۲۸

حقوق مردم در حکومت از منظر نهج البلاغه. ۱۳۲

رابطه مشروعیت و مقبولیت حکومت. ۱۴۲

منابع ۱۵۷

اعلام ۱۶۱

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على نبينا محمد واهل بيته اجمعين واللعن على اعدائهم الى يوم الدين.

«نهج البلاغه» هنوز هم، حتی در میان ما، ناشناخته و مهجور و مظلوم است؛ همانگونه که خود «امام علی علیه السلام» نیز چنین است. قرن‌ها است که دوست و دشمن درباره امیرالمؤمنین علیه السلام و مهم‌ترین و مشهورترین مجموعه‌ای که از گفته‌ها و نوشته‌هایش که سیدرضی (قدس الله نفسه الزکیه) گردآورده است، سخن گفته‌اند و می‌گویند؛ اما طرفه اینکه این تکرارها نه تنها ملال‌انگیز نشده، که «به شیوه باران، بر از طراوت تکرار است». این هم یکی دیگر از خصایص آن یگانه هستی است که با این همه شهرت و محبوبیت، باز هم ناشناخته و مظلوم است. شاید هم چاره‌ای جز این نباشد؛ چه آنکه او در نقطه‌ای از کمال ایستاده است که هیچ مرغ بلندپروازی نمی‌تواند تصور رسیدن به آن را داشته باشد، و کتابش نیز ژرفایی از معارف و حکمت است که از دریای بی‌کران قرآن جاری شده و به آن متصل است. او از سویی خود را چنین معرفی کرد که: «سیل خروشان (علم و

فضیلت) از دامنه کوهسار وجودم، پیوسته جاری است و مرغ (دور پرواز اندیشه) به قلّه (وجود) من نمی‌رسد.^۱

و از سوی دیگر فرمود: «قرآن معدن ایمان و کسانون آن است، چشمه‌سارهای دانش و دریا‌های علم و باغ‌های عدالت و برکه‌های عدل و پایه‌های اسلام و بنیان آن و نهرهای حق و دشت‌های خرم و سرسبز دین است؛ دریایی است که هر چه از آن بگیرند پایان نمی‌گیرد و چشمه‌ای است که هر چه از آن بردارند کم نمی‌شود.»^۲

پس چه عجب که غواص چنین دریایی نیز چیزهایی دیده و یافته و گفته باشد که برای ما نایب‌های اسرار، و ناشنواهای حقیقت و ناتوان‌های سلوک، هنوز هم نادیده و ناشنیده و ناهمیده باقی مانده باشد.

تنها انتظاری که از ما می‌رود اظهار عجز است، و دراز کردن دست‌تَمَا؛ و تنها امیدی که از او می‌رود اظهار لطف است و گرفتن دست مشتاقان؛ و آنچه در این مجموعه پیش‌روی شما قرار گرفته، و ان‌شاءالله قرار خواهد گرفت، نمودی از همین تلاش است و همان عطاء.

سپاسگزارم خدای مهربان را که از ابتدا مَهر امام علی علیه السلام و عشق به کلام او را در اعماق وجودم نهاد؛ و هر گاه و بی‌گاه نعمت اندیشه و گفتگو درباره آن را ارزانی‌ام داشت. از مدت‌ها پیش و پس از آنکه به لطف پروردگار، «درس‌های ماندگار»^۳ مورد قبول و استقبال شیعیان و شیفتگان

۱. خطبه سوم نهج البلاغه: ... يَخْبِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْقَى إِلَيَّ الطَّيْرُ...

۲. خطبه یکصد و نود و هشتم نهج البلاغه: ... يَخْرُ لَا يَتَرَفُّهُ الْمُسْتَرْفِعِينَ، وَ عَيُونَ لَا يُنْضِبُهَا الْمُنَاحُونَ وَ مَنَاهِلُ لَا يُغِيضُهَا الْوَارِدُونَ، وَ مَنَازِلُ لَا يَقْبِلُ نَهْجَهَا الْفَسَّافُونَ، وَ أَغْلَامُ لَا يَغْمِي عَنْهَا السَّائِرُونَ، وَ أَكَامُ لَا يَجُورُ عَنْهَا الْقَاصِدُونَ...

۳. نام کتابی است که به امید «نگاهی نو به نهج البلاغه» در سال ۱۳۸۰، سال امام علی علیه السلام، به چاپ رسید؛ و تاکنون از سوی مراکز و مؤسسه‌های گوناگون بارها منتشر شده است؛ و له ادامه در صفحه بعد

مولا قرار گرفت، گروهی از دوستان، به گردآوری و انتشار این مباحث نیز اصرار و ترغیب می‌کردند.

ناگفته پیداست که اجابت این خواسته تا چه اندازه دشوار است؛ اما سرانجام نیم‌نگاهی به سماحت و سخاوت حضرتش اجازه داد که نه تنها جرأت خوشه‌چینی از شجره طيبة کلام ایشان را به خود راه دهم، بلکه در انتظار کرامت بی‌پایان ایشان نیز، با سری رو به زمین، و دستی رو به آسمان، عرضه بدارم: «يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأَهْلْنَا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»^۱

نام این مجموعه «سرچشمه حکمت» نهاده شد؛ چه آن‌که پیشوای عدالت خواهان جهان، چشمه زلالی است که بی‌واسطه از منبع وحی و رسالت می‌جوشد و حکمت را که «خیر کثیر» است، بی‌دریغ نثار تشنگان فلاح و رستگاری می‌کند؛ «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»^۲

اگر حکمت، درک صحیح و عمیق حقیقت است، واقعاً آن را از چه منبع جوشانی، بعد از قرآن، و غیر از نهج البلاغه می‌توان سراغ گرفت؟ البته در گزینش این نام تلمیح و تفألّی نیز منظور بوده است؛ تلمیح به محل برگزاری این درس‌ها که «سرچشمه» بوده است؛ محل شهادت هفتاد و دو شهید مظلوم؛ و سیدالشهدای این انقلاب؛ آیت‌الله دکتر سیدمحمد

الحمد والمِنَّه.

۱. سوره یوسف، آیه ۸۸: ای عزیز! ما و خاندان ما را ناراحتی فرا گرفته و متاع کمی با خود آورده‌ایم، پیمانۀ ما را به‌طور کامل پُر کن و بر ما تصدق بنما که خداوند صدقه‌دهندگان را پاداش می‌دهد.

۲. سوره بقره، آیه ۲۸۹: (خدا) به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است؛ و جز خردمندان، کسی پند نمی‌گیرد.

حسینی بهشتی (اعلی الله مقامهم)؛ و تَفألّی به این غزل لسان الغیب، حافظ شیرازی (علیه الرحمه) که:

حافظ از چشمه حکمت به کف آور جامی

بو که از لوح دلت نقش جهالت برود

همو که در جای دیگر گفته است:

گر طالب فیض حق به صدقی حافظ

سرچشمه آن ز سقی کوثر پرس

در هر حال، جرعه اول از «سرچشمه حکمت»، متن درس‌هایی است که در جمع گروهی از استادان و دانشجویان دانشگاه ارائه شده، و در عصر روزهای ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۱ شمسی از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شده بود. آن متن را دوستانی زیر نظر اینجانب پیاده، و تا حد ممکن خلاصه، و تا اندازه‌ای ویرایش کردند که لحن گفتار را به نوشتار، اندکی نزدیک‌تر سازد.

درباره دلایل انتخاب موضوع، یعنی «حکومت و سیاست» و منبع آن، یعنی «نهج البلاغه» در متن درس‌ها سخن گفته‌ام. سپس کوشیده‌ام تا برای سه پرسش مهم در فلسفه حقوق و سیاست، در این کتاب شریف پاسخ‌هایی بیابم؛ دلایل نیاز به حکومت و فلسفه برپایی دولت، کارکردهای حکومت و وظایف دولت، و سرانجام، نقش مردم در حکومتی که بر اندیشه علوی استوار است.

البته موضوع مهم دیگری نیز باقی مانده است؛ «حقوق و تکالیف متقابل شهروندان و حاکمان» که «فیض روح القدس از باز مدد فرماید»، در آینده ارائه خواهد شد.

امیدوارم این عرض ارادت، مورد عنایت آن بزرگواری واقع شود که «خاک را به نظر کیمیا کند»؛ خطاها را بر من ببخشاید، و زندگی و مرگم را

چنان بخواهد که می‌خواهم. «بار خدایا! آنچه تو از من به آن آگاه‌تری بر من ببخشای و اگر بار دیگر به سوی آن باز گردم، تو نیز آمرزش خود را بر من بزرگردان. خداوند! آنچه از کارهای نیک که بر آن تصمیم گرفتم و عهد و پیمان بر آن بستم، ولی وفایی نسبت به آن از من ندیدی، بر من ببخش. خداوند! آنچه را با زبان به تو تقرب جستیم، سپس قلبم با آن مخالفت کرد بر من ببخش. پروردگارا! نگاه‌های اشارت‌آمیز و سخنان بی‌فایده و خواسته‌های نابه‌جای دل و لغزش‌های زبان مرا عفو فرما!»^۱

محسن اسماعیلی

نهم آذرماه ۱۳۹۳ ش.

هفتم صفرالمظفر ۱۴۳۶ ق.

روز میلاد پرشکوه باب‌الحوائج،

امام موسی ابن جعفر علیه السلام

۱. خطبه هفتاد و هشتم نهج‌البلاغه: ... اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا وَأَيْتَ مِنْ نَفْسِي، وَلَمْ تَجِدْ لَهُ وِفَاءً عِنْدِي. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ بِلِسَانِي، ثُمَّ خَالَفَهُ قَلْبِي. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي رَمَزَاتِ الْأَلْحَاطِ، وَسَقَطَاتِ الْأَلْفَاظِ، وَشَهَوَاتِ الْجَنَانِ، وَهَفَوَاتِ اللِّسَانِ.